

مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای

علی اکبر ایزدی فرد*

حسین کاویار**

چکیده

یکی از ویژگی‌های بارز و وظیفه مهم حکومت، رعایت اصل مسئولیت‌پذیری در ازای حقوق دیگران است، و در اندیشه و سلوک علوی مسئولیت‌پذیری حکومت همان پاسخگویی به مردم است. از دیدگاه امام علی (ع)، مسئولیت مدیران حکومتی در پاسخگویی به مردم، وظیفه‌ای بسیار مهم و آزمایش سختی برای آنان است و کسی می‌تواند موفق‌تر باشد و گوی سبقت را در عرصه خدمت‌رسانی از دیگران برپاید که در انجام وظایف و تعهدات خود در قبال جامعه و مردم کوتاهی نکند و کارها را به نحو نیکو انجام دهد.

در مسئله مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومت، فرمانبرداری، اطاعت امر و اجابت درخواست دیگران در برابر وظایفی که برعهده کارگزاران است، مطرح می‌شود و عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران است به این معنا که «شما حق دارید و من تکلیف دارم». حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه در موارد متعدد به این نوع از مسئولیت اشاره کرده است. در این مقاله، پیرامون اصل مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مفهوم و موارد آن از منظر امام علی (ع) بحث و بررسی شده است.

* استاد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران ali85akbar@yahoo.com

** دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران h.kaviar@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۸

کلیدواژه‌ها: اصل مسئولیت‌پذیری، مسئولیت اخلاقی، پاسخگویی، اخلاق حرفه‌ای، ارتباط متقابل.

مقدمه

در دیدگاه امام علی (ع)، فلسفه حکومت عبارت است از احیای حق، انهدام باطل و رساندن انسان از خاک به خدا است. این آرمان والا جز با حکومت صالحان تحقق نمی‌یابد. روشن است که امام (ع) باید کارگزاران خویش را از میان بهترین‌ها و نخبگان انتخاب کند تا اشتباهات و انحرافات احتمالی به حداقل برسد. از این‌رو، نخستین اقدام حکومتی امام (ع) پس از بیعت مردم، جابه‌جایی و عزل و نصب وسیع مدیران اجرایی نظام پیشین بود. معیارهای امام (ع) برای انتخاب کارگزاران در رده‌های گوناگون، برگرفته از متن دین و مورد رضای خدا و پیامبر اکرم (ص) بود. بدین منظور، آن حضرت (ع) در عهدنامه مالک اشترنخعی برای هر صنفی از مسئولان حکومت، ویژگی‌های خاصی را برشمرده است؛ برای مثال، درباره صفات فرماندهان نظامی می‌فرماید:

برای فرماندهی سپاه، کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (ص) و امام تو بیشتر و دامن او پاک‌تر و شکیبایی او برتر باشد، کسی که دیر به خشم آید، عذرپذیرتر باشد، بر ناتوان رحمت آورد، با قدرتمندان با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس با آنان که گوهری نیک دارند و از خاندانی پارسایند و از سوابقی نیکو برخوردار، و نیز با رزم‌آوران و بخشندگان و جوانمردان روابط نزدیک برقرار کن که اینان بزرگواری را در خود جمع کرده و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند. (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳)

از دیدگاه حضرت علی (ع)، چرایی تشکیل حکومت اسلامی، مبتنی بر اقامه حدود الهی و انجام وظایفی است که برعهده دولت‌مردان است. ابن عباس گوید: به‌هنگام عزیمت امام علی (ع) به شهر بصره جهت جنگ با ناکثین در سرزمین «ذی قار»، درحالی‌که امام (ع) داشت کفش خود را پینه می‌زد، به خدمتش رسیدم؛ تا مرا دید، فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود:

و الله لهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقا او ادفع باطلا (نهج‌البلاغه: خطبه ۳۳).
به خدا سوگند، همین کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت شما محبوب‌تر است مگر اینکه حقی را با آن به‌پا دارم یا باطلی را دفع کنم.

از نظر مولای متقیان علی(ع)، حکومت بر مردم به هیچ وجه هدف نیست، بلکه امانتی الهی است که باید در جهت خدمت به بندگان خدا و به عنوان وسیله ای جهت رفع نیازهای محرومان و نیازمندان و با نگاه کارگزاری برای مردم نه نگاه سلطه جویانه، قرار گیرد. حضرت(ع) در نامه به اشعث بن قیس - فرماندار خود در آذربایجان - می نویسد:

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن توست. باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی (زیرا در برابر مافوق خود، نگهبان مردمی). حق نداری به رعیت استبداد ورزی و در مورد مردم مطابق نظر و میل خود رفتار کنی. در امور مالی باید پس از اطمینان اقدام کنی؛ ثروتی که در اختیار توست، از اموال خدای عزوجل است و تو انباردار آن و درمقابل خدا و خلق مسئولی. (نهج البلاغه: نامه ۵)

توصیه های امیر مؤمنان علی(ع) به مدیران و کارگزاران حکومت اسلامی در جدول ۱ به تفکیک مندرج است:

جدول ۱. توصیه های حضرت علی(ع) به کارگزاران و مدیران

نهی هرگونه سلطه و جبر حاکمان و حکومت	توصیه های حضرت علی(ع) به کارگزاران و مدیران حکومت اسلامی باتوجه به نامه ۵ ایشان در نهج البلاغه
نهی آزادی عمل حکومت در استفاده از امکانات جز برای خدمت به مردم	
مسئولیت حفظ اموال و نگهداری از بیت المال	
پاسخگویی به مردم در عرصه مسئولیتی و مدیریتی	

مسئولیت پذیری زمامداران و کارگزاران حکومتی همان پاسخگویی است؛ زیرا پاسخگویی، نوعی فرمانبرداری، اطاعت امر و اجابت درخواست دیگران در برابر وظایفی است که برعهده دارند و برای شخص ایجاد تعهد می کند. درواقع می توان گفت که عنصر اصلی مسئولیت پذیری همان پاسخگویی است، یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران، به این معنا که «شما حق دارید و من تکلیف دارم»؛ و این اصل در سایه هماهنگی فرد با حق و عدم تقدم او بر خدا و رسول به دست می آید. به همین دلیل است که از دیدگاه حضرت علی(ع)، در نظام اسلامی، مدیریت ها باید به کسانی واگذار شود که در بعد اندیشه و عمل، اسلام را قبول داشته و تابع فرامین الهی، سنت نبوی و ائمه معصومین(ع) باشند. (نهج البلاغه: نامه ۳۸)

هر مسئول و مدیری با آگاهی از این امر و با احراز شرایط مزبور است که درصدد تدوین مسئولیت‌های خود درقبال حقوق دیگران بر می‌آید و اینکه چگونه می‌تواند به هریک از آن مسئولیت‌ها به‌خوبی عمل کند. مسئولیت‌پذیران را می‌توان همان «انجام‌جویان» (مکنزی، ۱۳۷۱: ۲۵۹) دانست؛ کسانی که در انجام وظایفی که برعهده آنان گذاشته شده است، نهایت سعی خود را به‌کارمی‌برند و آنها را با دقت و به روش احسن انجام می‌دهند. همه این عوامل به‌اضافه عدم کوتاهی در انجام وظایف و تعهدات، مدیر را در امر مدیریت جامعه برتر و موفق‌تر می‌گرداند. حضرت علی (ع) فرمودند:

ازجمله نشانه‌های فضل و کمال انسان، پاسخ مناسب و به‌موقع درقبال حقوق دیگران است. (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۵: ۱۸۲/۲)

مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومتی

اصل مسئولیت‌پذیری انسان که برآمده از خودآگاهی و اختیار او است، نوعی رفتار اخلاقی است که با الزام همراه بوده و تعهدآور است؛ تعهدی که با اختیار و تصمیم آدمی منافات ندارد. مسئولیت‌های اخلاقی، گاه به‌صورت «اخلاق فردی» است، به این معنا که هر فردی به‌عنوان شخص حقیقی، صرف‌نظر از کارش، در مورد رفتارهای خود درقبال خود، خانواده و جامعه مسئول است و باید پاسخگو باشد. تلاش درجهت کسب مکارم و فضایل، برآوردن حاجت دیگران، متابعت از حق و ملازمت با آن، پرداخت حقوق دیگران، استفاده بهینه از نعمت‌های الهی، رعایت حقوق دوستان و والدین و فرزندان، توجه به مشکلات جامعه و کمک به مردم، از موارد مسئولیت‌های فردی است که در نهج‌البلاغه به آنها اشاره شده است. (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳ و حکمت‌های ۹۸، ۱۳۴، ۲۴۴، ۲۵۷، ۳۳۰، ۳۳۹، ۴۴۶)

گاهی مسئولیت‌های اخلاقی به‌صورت «اخلاق شغلی» است. هر فردی با توجه به شغل و حرفه‌ای که دارد، مسئولیت‌های اخلاقی خاصی دارد؛ مانند مسئولیت‌های اخلاقی پزشک، کارمند بانک، وکیل و معلم. از دیدگاه حضرت علی (ع)، در هر شغل و حرفه‌ای، باید‌ها و نبایدهای خاصی وجود دارد که از آن جمله است: مسئولیت علما در نشر علم و دانش، مسئولیت کارمندان در رعایت تقوای الهی و اطاعت از خدا و ادای امانت و مردم‌داری، مسئولیت مدیران و کارگزاران در حمایت از دین خدا و مقابله با غرور و سرکشی گنهکاران و دفاع از حدود و ثغور مملکت اسلامی و فروتنی در برابر مردم،

مسئولیت سرمایه‌داران در کمک به فقرا و ادای حقوق آنان. (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۰۵ و نامه‌های ۲۶، ۴۶ و حکمت‌های ۳۲۸، ۴۷۸)

قسم سوم از مسئولیت‌های اخلاقی «اخلاق سازمانی» یا «حرفه‌ای» است (→ فراملکی، ۱۳۸۲ش: ۹۷-۱۰۷) که ناظر بر مسئولیت افراد به‌عنوان اشخاص حقوقی است و این غیر از مسئولیت‌های فردی و شغلی است که در آنها بر مسئولیت افراد به‌عنوان شخص حقیقی تأکید می‌شود. از منظر نهج‌البلاغه، در این فرض، مسئولیت‌های اخلاقی مبتنی بر نگرش کل‌گرایانه و سیستمی است؛ یعنی به‌دست‌آوردن حقوق، مساوی است با رعایت حقوق دیگران، و انجام وظایف خود در قبال حقوق دیگران عین احقاق حق خود است. حضرت علی(ع) در خطبه ۲۱۶، با بیانی زیبا، ضمن توجه‌دادن مردم به‌عنوان امت اسلامی به مسئولیت‌های حرفه‌ای و سازمانی خود، به مسئولیت‌های حرفه‌ای و سازمانی حکومتی اشاره کرده که مفاد آن چنین است:

شما در برابر من به‌عنوان سرپرست حکومت وظایفی دارید و من نیز در برابر شما به‌عنوان حاکم وظایفی دارم و حتی بر کسی واجب نمی‌شود مگر اینکه همانند آن را انجام دهد. اگر طرفین به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل کنند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار می‌شود. پس روزگار اصلاح می‌شود و مردم به تداوم حکومت امیدوار می‌شوند و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌شود.

در این نوع مسئولیت، حاکم اسلامی و کارگزاران حکومتی به‌عنوان شخصیتی حقوقی، مسئولیت‌های ویژه‌ای در قبال امت اسلامی دارند. حضرت علی(ع) در خطبه ۳۴، در ترسیم و تبیین آن مسئولیت‌ها می‌فرماید:

حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.

مردم نیز موظفند در کمک به حاکم اسلامی، حقوق وی را رعایت کنند و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود را به‌عنوان امت اسلامی به نحو نیکو انجام دهند. چنان‌که در ادامه می‌فرماید:

و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید؛ هرگاه شما را فراخواندم، اجابت کنید و هرگاه فرمان دادم، اطاعت کنید.

جدول ۲. انواع مسئولیت‌پذیری مدیران و کارگزاران حکومت

۱. تلاش در جهت کسب مکارم و فضایل ۲. برآوردن حاجت دیگران ۳. متابعت از حق و ملازمت با آن ۴. پرداخت حقوق دیگران ۵. استفاده بهینه از نعمت‌های الهی ۶. رعایت حقوق دوستان و والدین و فرزند ۷. توجه به مشکلات جامعه و کمک به مردم	اخلاق فردی	
۱. مسئولیت علما در نشر علم و دانش ۲. مسئولیت کارمندان در رعایت تقوای الهی و ادای امانت و مردم‌داری ۳. مسئولیت مدیران و کارگزاران حکومت در حمایت از دین خدا و مقابله با غرور و سرکشی گنهکاران و دفاع از حدود و ثغور مملکت اسلامی و فروتنی در برابر مردم ۴. مسئولیت سرمایه‌داران در کمک به فقرا و ادای حقوق آنان	اخلاق شغلی	انواع مسئولیت‌پذیری مدیران و کارگزاران حکومت مبتنی بر خطبه‌های ۳۴، ۱۰۵، ۲۱۶ و نامه‌های ۲۶، ۵۳ و شماری از حکمت‌های نهج‌البلاغه
۱. داشتن نگرش کل‌گرایانه و سیستمی الف) یعنی به‌دست‌آوردن حقوق، مساوی است با رعایت حقوق دیگران. ب) انجام وظایف خود در قبال حقوق دیگران، عین احقاق حق خود است. ۲. اصالت دادن به حقوق دیگران (رعایت اصل «شما حق دارید و من تکلیف دارم»). (← جدول ۳)	اخلاق سازمانی یا حرفه‌ای	

اخلاق حرفه‌ای کارگزاران حکومت

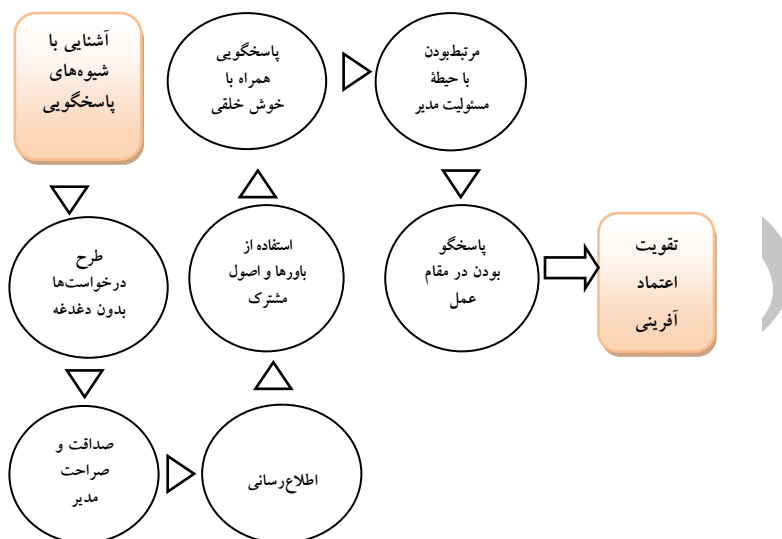
براساس آنچه آمد، می‌توان گفت که مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومت تنها در قالب اخلاق حرفه‌ای تحقق می‌یابد. این نوع مسئولیت که نقطه مقابل فرهنگ استبدادی رفتار ارتباطی با تلقی «من حق دارم و دیگران وظیفه دارند» است، مبتنی است بر اصل «شما حق

دارید و من تکلیف دارم». هر انسانی بر مبنای این اصل اولاً برای دیگران حق قائل است، ثانیاً در برابر حقوق دیگران احساس مسئولیت می کند و خود را به رعایت آن ملزم می داند. مسئولیت پذیری زمامداران و مدیران در قالب اخلاق حرفه ای، طبق فرمایش امام علی (ع) در نامه ۵۰ نهج البلاغه، در جدول ۳ درج است.

جدول ۳. مسئولیت پذیری زمامداران و مدیران در قالب اخلاق حرفه ای

۱. جمع آوری مالیات برای اداره جامعه اسلامی و مصرف صحیح بیت المال	مسئولیت پذیری زمامداران و مدیران حکومت در قالب اخلاق حرفه ای بر اساس نامه ۵۰ نهج البلاغه
۲. دفاع از کشور در مقابل دشمنان و بیگانگان و برقراری امنیت	
۳. احیای سنت خدا و رسول گرامی اسلام (ص) و اقامه حدود و ارزش های الهی	
۴. به سامان رساندن امور مردم و اصلاح در کارهای آنان	
۵. گشاده رویی و فروتنی با مردم و مدارا و انصاف با آنان	
۶. تلاش برای جلب رضایت مردم در انجام کارها و حل مشکلات آنان	
۷. تقدّم حقوق جمعی بر حقوق فردی در فرض تعارض میان آن دو	
۸. محوریت عدالت در همه عرصه های زندگی جامعه	
۹. آموزش و ارتقای سطح دانش جامعه، تزکیه و پیرایش ناروایی های موجود در بین مردم و اصلاح فرهنگ آنان	
۱۰. ایجاد فضای باز سیاسی و بیان آزادانه نظرگاه های همراه با رعایت اصول و مبانی دینی و انسانی	
۱۱. تقدّم رضایت خدا بر رضایت خلق و استعانت از خداوند در امور	
۱۲. توجه دادن مردم به اعمال عبادی در همه ابعاد آن (← خطبه های ۳۴، ۱۰۵ و نامه ۵۳ و حکمت ۴۳۷)	
۱۳. اگر کارگزار و مدیر اموالی به دست آورد یا نعمتی به او اختصاص یابد، دچار دگرگونی نشود و با آن اموال و نعمت ها بیشتر به بندگان خدا نزدیک شود و به برادرانش مهربانی بیشتری روا دارد.	

نکته دیگر درباره اخلاق حرفه ای کارگزاران حکومت، پاسخگویی آنان در مقابل مردم است و این امر نیز با مسئولیت پذیری آنان ارتباط تنگاتنگی دارد. آشنایی با شیوه پاسخگویی نقش مؤثری در تقویت اعتماد آفرینی دارد. ارتباط شیوه های پاسخگویی و تقویت اعتماد آفرینی با توجه به سخنان امام علی (ع) در نمودار ۱ نشان داده شده است:



نمودار ۱. ارتباط بین شیوه‌های پاسخگویی و تقویت اعتماد آفرینی

۱. در پاسخ‌دادن سعی شود شرایطی فراهم آید که افراد بتوانند بدون دغدغه و ترس، درخواست‌ها و مشکلات خود را به راحتی با مسئولان در میان نهند و پاسخ مناسب دریافت دارند. حضرت علی(ع) به مالک اشتر می‌فرماید:

روزی اینان را فراخ دار و از رسیدگی به کارشان دریغ مدار و روی ترش بدانان میار. بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای آنان فارغ دار و در مجلس عمومی بنشین و در آن مجلس در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسبانان، از آنان بازدار، تا سخنگوی آن مردم با تو گفت‌وگو کند بی‌درماندگی در گفتار؛ که من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می‌فرمود: «هرگز امتی را پاک از گناه نخوانند که در آن امت، بی‌آنکه بترسند و در گفتار درمانند، حق ناتوان را از توانا نستانند.» (نهج/البلاغه: نامه ۵۳)

۲. پاسخگویی باید همراه با صداقت و صراحت باشد. حضرت علی (ع) در پاسخ به

نامه معاویه که خود را خلیفه مسلمین و خیرخواه امت می دانست و از صلح و دوستی دم می زد، ضمن پاسخ به ادعاهای دروغین او فرمود:

از هم اکنون خود را دریاب و چاره ای ببندیش که اگر کوتاهی کنی و بندگان خدا برای درهم کوبیدنت برخیزند، درهای نجات به روی تو بسته خواهد شد و آنچه را که امروز از تو می پذیرند، فردا نخواهند پذیرفت. (نهج البلاغه: نامه ۶۵)

۳. پاسخ دادن به گونه ای باشد که همه از آن آگاه شوند و ضایع یا دوباره کاری نشود. شخصی از امام علی (ع) در مورد ایمان پرسید؛ حضرت (ع) فرمود:

فردا نزد من بیا تا در جمع مردم پاسخ گویم که اگر تو گفتارم را فراموش کنی، دیگری آن را در خاطرش بسپارد؛ زیرا گفتار چونان شکار رمنده است که یکی آن را به دست می آورد و دیگری آن را از دست می دهد. (نهج البلاغه: حکمت ۲۶۶)

البته، حضرت علی (ع) در حکمت ۳۱ به این سؤال پاسخ داده و ایمان را به چهار شعبه صبر، یقین، عدل و جهاد تقسیم کرده است.

۴. در پاسخگویی سعی شود در موارد لزوم از اعتقادات و اصول مشترک که مورد قبول طرفین است، استفاده شود تا زودتر بتوان به نتیجه مطلوب دست یافت. امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ای که پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری توسط جریر بن عبدالله به معاویه فرستاد، در پاسخ به شبهات و انتقادات او، از روش استدلال و مناظره براساس عقاید مشترک استفاده کرد؛ زیرا معاویه به ولایت و امامت حضرت (ع) و نصب الهی و ابلاغ رسول خدا (ص) اعتقادی نداشت و تنها در شعارهای خود بیعت مردم و شورای مسلمین را مطرح می کرد؛ و امام علی (ع) در استدلال با او به ناچار معیارهای مورد قبول وی را طرح کرد و از این طریق درصدد اثبات حقانیت خود برآمد؛ به این ترتیب:

اگر بیعت را قبول داری، مردم با من بیعت کردند و اگر به شورا احترام می گذاری، شورای مهاجر و انصار مرا برگزیدند؛ دیگر چه بهانه ای می توانی داشته باشی؟ (نهج البلاغه: نامه ۶)

شایان ذکر است که حضرت (ع) نظرگاه های خود را درباره امامت و رهبری اهل بیت (ع) در خطبه های ۱، ۲، ۹۳، ۹۷، ۱۲۰ و ۱۴۴ به تفصیل بیان فرموده است.

۵. پاسخگویی با خوش خلقی، خوشرویی، مهر و محبت همراه باشد نه با تبختر و تکبر. از دیدگاه مولای متقیان علی (ع)، حسن خلق، اساس همه نیکی‌ها و سبب بهره‌وری در کارها است. (ری‌شهری، ۱۴۰۵ ق: ۱۳۸/۳) انسان مؤمن، اهل معاشرت و مهر و محبت است و کسی که با دیگران الفت نگیرد، خیری در او نیست. (کلینی‌رازی، ۱۳۸۸ ق: ۱۶۲/۳ - ۱۶۳) شیخ محمدباقر کمره‌ای در شرح اصول کافی ذیل احادیث مربوط به خوش خلقی گوید:

مقصود از خوش خلقی در روایات، عبارت است از اظهار مهر و ملاطفت و خوش نظری و خیرخواهی برای عموم معاشران از اهل هر مذهب و کیشی باشند و این خوش‌نظری و اظهار مهر و محبت به‌جا، به‌هیچ‌وجه با وظایف خاصی که در هر مورد و به هر کس وارد است، منافات ندارد. (کلینی، ۱۳۸۸ ق: ۱۶۳/۳)

۶. به سؤالاتی پاسخ داده شود که به حیطه مسئولیت مدیر مرتبط باشد وگرنه پاسخگویی به هر سؤالی اولاً دخالت در کار دیگران و ثانیاً دال بر سفاکت و عدم رشد عقلی است. امام صادق (ع) فرمودند:

ان من اجاب فی کل مایسأل عنه لمجنون. (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۱۶۶/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۴۰/۲؛ صدوق، ۱۳۶۱: ۲۳۸؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹ ق: ۱۲۴/۲) همانا کسی که بخواهد در هر چیزی که از او سؤال می‌شود پاسخ دهد، دیوانه است.

۷. مؤثرترین روش در پاسخگویی که تأثیر زیادی در اعتمادآفرینی دارد، این است که کارگزاران حکومت و زمامداران در مقام عمل پاسخگو باشند، نه صرفاً با لفظ و گفتار و ادعا و نوشته. امام‌باقر (ع) فرمودند:

پرافسوس‌ترین مردم در روز قیامت کسی است که عمل عدالتی را وصف کند (و در پاسخ‌دادن زیبا و نیکو سخن گوید) ولی خودش خلاف آن عمل کند. (حرّانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۹۸؛ برقی، بی‌تا: ۱۲۰/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۲۹۵/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۸/۲ و ۲۲۳/۶۹ و ۱۷۹/۷۵؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹ ق: ۱۲۰/۷ و ۳۹۱/۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ ق: ۳۲۶/۴؛ حویزی، ۱۴۱۲ ق: ۷۵/۱ و ۴۹۶/۴)

پاسخگویی در عمل یعنی قبل از این که زمامدار دیگران را به احساس مسئولیت، وقت‌شناسی، ساده‌زیستی، دقت در کار، اخلاق نیکو و رعایت حقوق دیگران تشویق کند، خود عامل به آن بوده و رفتارش در مقام عمل پاسخگو باشد. حضرت علی (ع) فرمودند:

ای مردم! به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر اینکه پیش از آن خود بدان عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز اینکه قبل از آن ترکش کرده‌ام. (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۵)

امام (ع) در کنار توصیه دیگران به ساده‌زیستی و عدم اسراف و تبذیر، خود نیز عملاً اسوه ساده‌زیستی بود، چنانکه فرمودند:

ان الله جعلني اماماً لخلقہ ففرض علی التَّقْدِير فی نفسی و مطعمی و مشربی و ملبسی
کضعفاء الناس. (کلینی، ۱۳۸۸ ق: ۴۱۰/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۱ ق: ۲۱۵/۲؛ مازندرانی، بی تا: ۴۳/۷؛
مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۳۶/۴۰؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹ ق: ۳۷۸/۴؛ محمودی، ۱۳۹۶ ق: ۳۴۳/۱)

خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داد و بر من واجب کرد که در خوردن، نوشیدن و پوشیدن همانند ضعیف‌ترین مردم باشم.

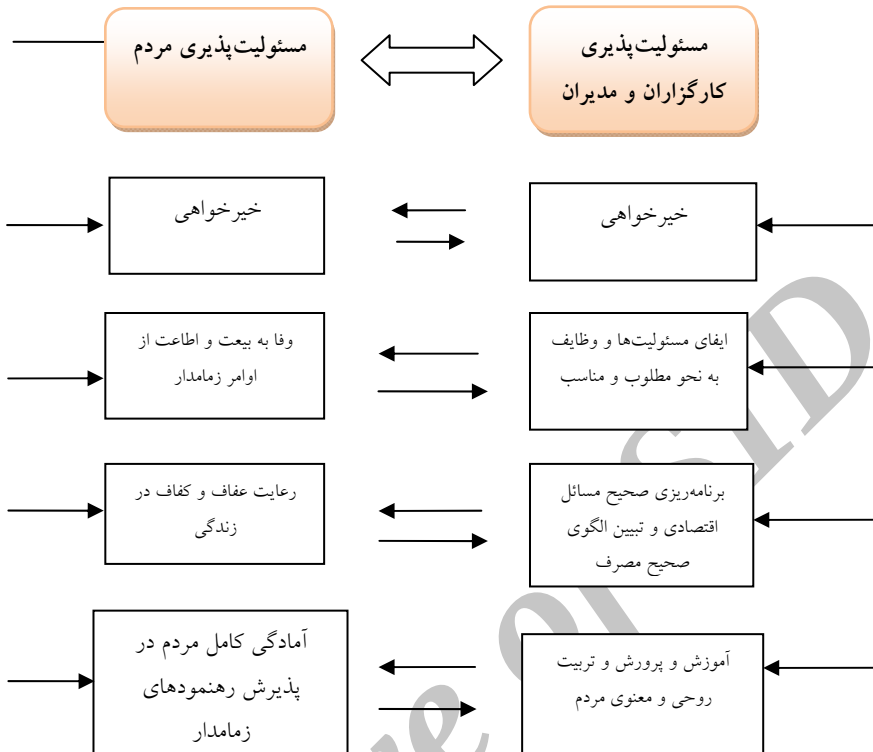
امام باقر (ع) فرمود:

به خدا سوگند که علی (ع) همچون بنده غذا می‌خورد و همچون بنده می‌نشست. اگر می‌خواست به مردم غذا بدهد، نان و گوشت به آنان می‌خورانید، ولی خود به خانه می‌رفت و نان جوین را با روغن زیتون و سرکه تناول می‌کرد. در مدت پنج سال ولایتش، آجری بر آجر یا خشتی بر خشتی نهاد و تیولی به‌خود اختصاص نداد و سرخ و سفیدی (زر و سیمی) به میراث برجای نگذاشت. (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵ ق: ۹۸/۲)

ارتباط متقابل مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مردم

نکته مهم در مورد اخلاق حرفه‌ای کارگزاران، ارتباط نظام‌مند و منسجم مسئولیت‌پذیری آنان و مردم است. همان‌طور که اشاره شد، اصل مسئولیت‌پذیری مبتنی است بر اینکه «شما حق دارید و من تکلیف دارم» و این براساس رابطه متقابل حق و تکلیف طرفینی است، یعنی طرف مقابل نیز به رعایت اصل «شما حق دارید و من تکلیف دارم» موظف است.

به بیان دیگر، مسئولیت‌پذیری حاکمان و کارگزاران، در ارتباط متقابل با مسئولیت‌پذیری احاد افراد جامعه به‌عنوان امت اسلامی قابل تعریف و تبیین و توجیه است و حضرت علی (ع) در خطبه‌های ۳۴ و ۲۱۶ به آن اشاره کرده است. این ارتباط متقابل بین مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مردم در نمودار ۲ نشان داده شده است:



نمودار ۲. ارتباط متقابل مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مردم

حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ اولین حق مردم بر زمامدار را خیرخواهی می‌داند؛ و همین را درباره حق زمامدار بر مردم نیز مطرح می‌کند، منتها در فرض اول به‌عنوان اولین حق و در فرض دوم به‌عنوان دومین حق مطرح شده و بعد از وفا به بیعت آمده است:

علت اختلاف در اهمیت این حق کاملاً روشن است؛ زیرا اگر مردم به بیعتی که با زمامدار کرده‌اند، وفادار نباشند، درحقیقت او را به مقام رهبری و پیشوایی نپذیرفته‌اند و با این فرض، نوبت به خیرخواهی نمی‌رسد، زیرا در این فرض اصل موضوع که رهبری و پیشوایی زمامدار است، منتفی است. در صورتی که در حقوق مردم برعهده زمامدار که مبتنی بر پذیرش زمامداری او است، اولین و بااهمیت‌ترین حق، همان خیرخواهی مطلق زمامدار درباره مردم است که مبنای اصلی رابطه مدیریت و رهبری برای مردم است. خیرخواهی درباره زمامدار قائم به حق، تکلیف الهی الزامی همه افراد جامعه است، به همان اندازه که خیرخواهی انسان‌ها درباره خویشان، یک تکلیف الهی الزامی است.

با نظر دقیق در نتایج مدیریت رهبران شایسته و قائم به حق در طول تاریخ و با نظر به شناخت ابعاد انسانی در رابطه با رهبران و با نظر لازم و کافی در منابع معتبر اسلامی، می توان رهبر و پیشوای شایسته یک جامعه را به عقل و وجدان آگاه آن جامعه تشبیه کرد، چنان که یک فرد انسانی فقط با رفتار صادقانه و خیرخواهانه درباره عقل و وجدان خود می تواند «زندگی منطقی» و «حیات معقول» خود را تأمین کند. همچنین، یک جامعه انسانی موقعی می تواند از «زندگی منطقی» و «حیات معقول» برخوردار باشد که درباره رهبر و پیشوای خود که به منزله عقل و وجدان آن است، رفتار صادقانه و خیرخواهانه داشته باشد. (جعفری، ۱۳۷۶: ۳۹/۹ - ۴۰)

مورد دیگر، پاسخ مثبت مردم به دعوت زمامدار و اطاعت از دستورات او است. کارگزاران و حاکمان الهی، مردم را جز به اصلاح و خیر و سعادت دنیوی و اخروی دعوت نمی کنند؛ چنان که در سوره هود، آیه ۸۸ آمده است که حضرت شعیب (ع) گفت:

من تا آنجا که بتوانم، چیزی جز اصلاح شما نمی خواهم و موفقیتی برای من جز با مشیت خداوندی نیست. من بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمی گردم. (هود، ۸۸/۱۱)

در قرآن مجید، در بسیاری از آیات، تذکر داده شده که بعثت پیامبران و فرستادن کتاب های آسمانی، همه و همه برای این است که مردم از جهل و فقر و نکبت و طغیان گری و خودمحوری ها بیرون آیند و به نور وارد شوند. در آیه های ۱۵ و ۱۶ سوره مائده آمده است:

برای شما نور و کتابی آشکار و آشکارکننده از جانب خدا آمده است. خداوند با آن نور و کتاب، کسانی را که در پی خشنودی اویند، به راه های سلامت راهنمایی می کند و آنان را به اذن خود از ظلمات بیرون می آورد و به نور وارد می کند.

براساس آنچه آمد، می توان گفت که عدم اجابت مردم به دعوت و دستورات حاکمان الهی، اولاً موجب ضرر و تباهی خود آنان خواهد بود، ثانیاً زمامدار را در اجرای وظایف خود که تعلیم و تربیت آنان، اجرای عدالت و اصلاح امور اقتصادی جامعه است، ناموفق می گرداند. درحقیقت، مسئولیت پذیری مردم به عنوان امت اسلامی، زمینه ساز ایفای مسئولیت های کارگزاران حکومت به نحو نیکو است؛ منتها به لحاظ زمانی، بر زمامداران است که ابتدا به وظایف خود عمل کنند، سپس از مردم ادای حقوق خود را انتظار داشته باشند؛ چنان که حضرت علی (ع) در خطبه های ۳۴ و ۲۱۶، ابتدا زمامداران را به انجام وظایف خود موظف و آنگاه به حقوق آنان بر مردم اشاره کرده است.

حقوق مردم بر زمامداران

اولین حقی که مردم بر کارگزاران و دولتمردان خود دارند، خیرخواهی درباره آنان است. علامه جعفری (۱۳۷۶: ۲۶/۹) می‌گوید:

این خیرخواهی، یک مفهوم اخلاقی محض نیست که معمولاً به لطف و محبت خوشایند و غیرالزامی اطلاق می‌شود، بلکه با نظر به تعریف حکومت و سیاست در اسلام که عبارت است از اداره جامعه در جهت تحقق بهترین هدف زندگی در دو قلمرو فردی و اجتماعی، ضرورتی است که بدون آن، مفهومی برای حاکم و سیاستمدار و زمامدار وجود ندارد. خیرخواهی زمامدار موقعی تحقق پیدا می‌کند که مردم جامعه مانند اجزا و عناصر شخصیت زمامدار تلقی شوند و در نتیجه زمامدار خوشی‌ها و ناخوشی‌های مردم و تضادهای مختل‌کننده زندگی در میان آنان را در درون خود احساس کند.

این احساس در نامه‌ای که حضرت علی(ع) به عثمان بن حنیف نوشته است، به صراحت درک می‌شود:

آیا به این امر قناعت کنم که به من امیرالمؤمنین گفته شود، ولی در ناگواری‌های روزگار با آنان شریک نباشم و در خشونت و سختی‌های زندگی الگوی آنان نباشم؟ (نهج/البلاغه: نامه ۴۵)

شایان ذکر است که خیرخواهی یک زمامدار و حاکم برای مردم فقط در امور مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه همه ابعاد مادی و معنوی را نیز شامل می‌شود. حضرت(ع) در خطبه ۱۸۹ می‌فرماید:

ای مردم! پیش از آنکه مرا نیابید، آنچه می‌خواهید از من بپرسید که من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسم؛ پرسید قبل از آنکه فتنه‌ها چونان شتری بی‌صاحب حرکت کند و مهار خود را بگسلد و مردم را بکوبد و بیازارد و عقل‌ها را سرگردان کند.

از مهم‌ترین نتایج خیرخواهی کارگزاران، مردم‌داری است. در منطق اسلام، حکومت وسیله‌ای برای رساندن مردم و جامعه به کمال و اهداف عالی انسانی - الهی است. بر همین اساس، بزرگان دین، از جمله حضرت علی(ع)، ارزشی برای حکومت و دنیا قائل نبودند:

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم و رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم؛ آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است. (نهج/البلاغه: نامه ۲۷)

بنابراین، نگاهی که دین اسلام به حکومت دارد، در رفتار حاکم و کارگزار با مردم نیز مؤثر است. در منطق اسلام، حاکم باید نگاهی از روی مهربانی و عطوفت به مردم داشته باشد. اگر حاکم این نگاه را به مردم داشته باشد، از انحرافات و فسادهای حکومتی در اجتماع جلوگیری می‌شود. بدیهی است که این نگاه، دیگر اجازه ظلم و تجاوز و تعدی به حقوق مردم را به آنها نمی‌دهد و کار مردم به سرانجام می‌رسد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

امامت و رهبری شایسته نیست، مگر برای انسانی که سه خصلت داشته باشد: ورع که او را از معصیت خدا دور نگه دارد، بردباری که غضبش را نگه دارد، و نیکوولایت کردن بر کسانی که تحت ولایت او هستند تا برای آنان مانند پدر باشد برای فرزندان. (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۴۰۷/۱)

انس بن مالک درباره شخصیت پیامبر اکرم (ص) می‌گوید:

هیچ شخصی محبوب‌تر از رسول خدا (ص) نزد مسلمانان نبود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۹/۱۶)

درباره سیره پیامبر اکرم (ص) نیز روایت شده است:

پیامبر اکرم (ص) با هر مسلمانی مهربانی می‌کرد، حتی با افرادی که با بدترین روش با پیامبر اکرم (ص) رفتار می‌کردند. (طباطبایی، ۱۴۱۶ق: ۱۱۸)

پس در اسلام، حاکم خود را خادم و دوست و همدم مردم می‌داند و رسیدن به قدرت و حکومت را طعمه و فرصتی مغتنم برای ثروت‌اندوزی تلقی نمی‌کند. تصویری که امام علی (ع) از حکومت برای کارگزاران خویش به دست می‌دهد، «امانت بودن حکومت» است. اگر حاکم حکومت خویش را امانت تلقی کند، درصدد اصلاح کار مردم و کسب رضایت آنان برمی‌آید. امام علی (ع) طی نامه‌ای به اشعث بن قیس - فرماندار آذربایجان - نوشت:

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی در گردن تو است؛ باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، حق نداری به رعیت، استبداد ورزی و بدون دستور، به کار مهمی اقدام کنی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای عز و جل است و تو خزانه دار آنهايي تا به من بسپاری. (نهج البلاغه: نامه ۵)

امام علی (ع) در همه نامه‌ها، فرمانداران و استانداران خود را به رعایت حقوق اجتماعی مردم سفارش می‌کرد و از نظر اخلاق اجتماعی، مسئولان نظام را به مردم‌داری، ابراز محبت و لطف به رعیت و مردم دستور می‌داد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید:

مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی! زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو‌اند و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش؛ اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتری و امام تو از تو برتر و خدا از آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است، همو که انجام امور مردم مصر را به تو وا گذاشته و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است.

همچنین در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر، شیوه‌های مردم‌داری و رعایت حقوق اجتماعی آنان را تذکر داده است:

با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان، و گشاده‌رو و خندان باش. (نهج‌البلاغه: نامه ۲۷)

حق دوم مردم بر زمامداران، تقسیم عادلانه بیت‌المال و تنظیم کامل و برنامه‌ریزی صحیح مسائل اقتصادی جامعه است. از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، دولتمردان موظفند بر بیت‌المال نظارت داشته و بر نحوه مصرف آن دقیق باشند. آن حضرت (ع) وقتی با خبر شد که یکی از کارگزارانش از مقام خود سوءاستفاده کرده و از مسیر تقوا و عدالت و اعتدال خارج شده است، در نامه‌ای به او چنین فرمود:

همانا به من از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به‌خشم آورده، امام خود را نافرمانی و در امانت خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده است که کشت زمین‌ها را برداشته‌ای و آنچه می‌توانستی گرفته‌ای و آنچه در اختیار داشته‌ای به‌خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است. (نهج‌البلاغه: نامه ۴۰)

نکته دیگر، تقسیم عادلانه بیت‌المال در بین مردم و بهره‌وری افراد جامعه از آن بدون تبذیر است:

پس از آنکه مردم با امام علی (ع) بیعت کردند، حضرت (ع) در یک سخنرانی عمومی، سیاست‌های خود را در احیای قرآن و سنت رسول خدا (ص) و اجرای عدالت اجتماعی و برخورد شدید با غارتگران بیت‌المال بیان داشت، آنگاه دستور داد موجودی بیت‌المال را به‌گونه‌ای مساوی تقسیم کنند که به هر نفر سه درهم می‌رسید. به ابورافع - نویسنده و منشی خود - فرمود: از مهاجرین شروع کن و نام فرد فرد آنها را بخوان، سپس اسامی انصار و دیگر مردم را بخوان و به همه سه درهم بده و بین سیاه و سفید و سرخ و سفید فرقی مگذار! سهل بن حنیف گفت: یا امیرالمؤمنین، این شخص دیروز غلام من بود و امروز آزاد

شد؛ بین من و او فرقی نمی گذاری؟ امام علی (ع) فرمودند: به او نیز همانند تو می بخشم؛ و به هر یک از آن دو، سه درهم داد. از این رو، مخالفت ها شروع شد و طلحه و زبیر و عبدالله بن عمر و سعید بن عاص و مروان بن حکم و چند تن از قریش ناراحت شدند و سهم خود را نگرفتند. (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۸/۳۱۸ - ۳۱۹)

علاوه بر آنچه گفته شد، تبیین الگوی صحیح مصرف نیز می تواند عامل مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی جامعه باشد. از دیدگاه حضرت علی (ع)، الگوی مصرف عبارت است از قناعت و رعایت اصل کفاف و عفاف در زندگی. (نهج البلاغه: حکمت های ۴۳ و ۴۴)

البته کفاف، یک اصل اقتصادی در اسلام است، ولی عفاف مفهومی عام دارد و به مسائل اقتصادی اختصاص ندارد و اینکه عفاف و کفاف را با هم می آورند، بدین جهت است که بین آن دو رابطه محکمی برقرار است، به این معنا که مسلمانان با رعایت کفاف، از تبعات مصرف زیاده از حد مصون می مانند و در کسب دنیا حرص نمی ورزند و دنیا طلبی بر آنها غلبه نمی کند.

رعایت اصل کفاف و عفاف در مصرف، از لوازم رفتار عقلایی برای رسیدن به هدف است؛ زیرا مصرف بیشتر یا کمتر از حد کفاف، مانعی برای رسیدن به هدف (یعنی زهد) یا سبب دیرتر رسیدن به آن است. اولاً از تبعات مصرف زیاد، مشغول شدن ذهن و غافل ماندن از وظایف مهم تر است، هم چنان که مصرفی کمتر از حد کفاف نیز از آنجا که به سلامتی انسان لطمه وارد می کند، در اسلام پذیرفته نیست، ثانیاً زیاده روی در مصرف موجب انتقال منابع تولیدی جامعه از کاربرد آن در جهت بالابردن قدرت تولیدی جامعه به تولید کالاهای مصرفی غیر ضروری و استهلاک آن منابع است، ثالثاً عدم رعایت اعتدال در مصرف باعث تنوع طلبی و بزرگ تر شدن سبب مصرفی انسان می شود و در نتیجه عادات مصرفی انسان قوی تر می شود که این خود امری نامطلوب و دارای عواقب ناپسند است.

حق سوم، تعلیم مردم جامعه برای رها ساختن آنان از جهل و بی سوادی است. بر اساس روایات اسلامی، تعلیم و تعلم بر همه مسلمانان واجب است؛ زیرا حقیقت و رشد انسان، در علم و آگاهی و حیات معقول است. حضرت علی (ع) ضمن تشویق دیگران به کسب علم و دانش، خود نیز با همه مشغله فراوانی که داشت، به تألیف کتاب همت گماشت. کتاب فقهی امیر المؤمنین (ع) طبق نقل امام صادق (ع)، کتابی مفصل و دارای صفحاتی بی شمار بود که فرمود:

کاغذهای آن ۷۰ ذرع طول داشت که با خط امام (ع) نگاشته شد و همه حلال و حرام در آن مشروحاً بیان شد و نیز هر چیزی که انسان ها و امت اسلامی نیاز داشتند، جواب آن در این کتاب آمده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲/۲۶ - ۲۳؛ کرکی، ۱۴۰۸ق: ۸/۱ موسوی خمینی،

۱۴۱۸ق: ۲۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۳۹/۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۶۳؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ۲۳۹/۱؛
مازندرانی، بی‌تا: ۲۶۴/۲ و ۳۳۴/۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق: ۶/۱؛ بحرانی، بی‌تا: ۱۲۹

حضرت علی(ع) در برخورد با شبهات دینی و پرسش‌های مختلف مردم، آن‌چنان سعه صدر داشت که با بزرگواری و تحمل وصف‌ناشدنی به پرسش‌های آنان پاسخ می‌داد. در جریان جنگ جمل، یکی از یاران حضرت(ع) سخت در تردید قرار گرفت: از یک طرف امام علی(ع) را می‌دید و شخصیت‌های بزرگ اسلامی که در رکاب او شمشیر می‌زدند و از طرف دیگر عایشه همسر رسول خدا (ص) و طلحه و زبیر، به شک افتاد که کدامیک به حق نزدیک‌ترند؟ سرانجام به محضر علی(ع) شرفیاب شد و گفت: آیا ممکن است طلحه و زبیر و عایشه بر باطل اجتماع کنند؟ حضرت(ع) در جواب او پاسخی داد که به تعبیر دکتر طه حسین - دانشمند مصری - سخنی محکم‌تر و بالاتر از این یافت نمی‌شود و بعد از وحی، سخنی به این بزرگی شنیده نشده است. حضرت فرمود:

حقیقت بر تو مشتبه شده است؛ همانا حق و باطل را نمی‌توان با میزان قدر و شخصیت افراد شناخت، بلکه ابتدا سعی کن حق و باطل را بشناسی تا به واسطه آن، از اهل حق و باطل آگاهی پیدا کنی. (دشتی، ۱۳۷۹: ۳۰۶/۲)

شایان ذکر است که حق مزبور در صورتی می‌تواند تحقق پیدا کند که مردم با آمادگی کامل در پذیرش رهنمودهای حاکم و زمامدار، قابلیت‌های خود را به‌منصه ظهور برسانند. حق چهارم، تربیت مردم و رشد روحی و معنوی آنان در کنار کسب علم و دانش است؛ چراکه به فرموده حضرت علی(ع):

علم، میراث گرانمایی است و تربیت و آداب ارزشمند اخلاقی، لباس فاخر و زینتی است. (نهج‌البلاغه: حکمت ۵)

ای مردم، خودتان عهده‌دار تربیت نفس خویش باشید و نفس را از کشیده شدن به طرف هوس‌ها و عادات ناروا بازدارید! (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۵۹)

از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که:

سیاست در اسلام فقط برای تنظیم روابط مادی افراد جامعه نیست، بلکه این سیاست با کمال جدیت، پیشبرد روحی پیروان خود را هم در متن خود تضمین کرده است. این سیاست زندگی مادی چندروزه، فرزندان آدم را هدف خلقت انسان‌ها نمی‌داند، بلکه هدف اعلائی را برای انسان‌ها اثبات می‌کند و «حیات معقول» را که تحقق یافتن آن هدف اعلا را به‌عهده می‌گیرد، به‌وجود می‌آورد. (جعفری، ۱۳۷۶: ۳۶/۹ - ۳۷)

نتیجه گیری

مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران، به معنای پاسخگویی در برابر وظایفی است که برعهده دارند و به عنوان اخلاق حرفه‌ای و سازمانی باید توجه جدی به آن داشته باشند. از دیدگاه حضرت علی (ع)، این نوع مسئولیت مبتنی است بر اینکه «شما حق دارید و من تکلیف دارم»؛ که مهم‌ترین موارد آن عبارتند از: جمع‌آوری مالیات و مصرف صحیح آن در جهت توسعه و رشد اقتصادی کشور، دفاع از کشور در مقابل دشمنان و برقراری امنیت، احیای سنت خدا و رسول گرامی اسلام (ص) و اقامه حدود و ارزش‌های الهی، گشاده‌رویی و فروتنی با مردم و رعایت انصاف با آنان، محوریت عدالت در همه عرصه‌های زندگی جامعه، تقدّم حقوق جمعی بر حقوق فردی به فرض تعارض میان آن دو، آموزش و ارتقای سطح دانش جامعه، و تزکیه و پیرایش ناروایی‌های موجود در بین مردم و اصلاح فرهنگ آنان.

از منظر نهج البلاغه، مسئولیت‌پذیری کارگزاران، در ارتباط متقابل، نظام‌مند و منسجم با مسئولیت‌پذیری مردم به عنوان امت اسلامی است که حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ به آن اشاره کرده است و عبارتند از: وفاداری، خیرخواهی در آشکار و نهان، و اجابت و اطاعت دستورات و فرامین حاکم.

اساسی‌ترین نتیجه مسئولیت‌پذیری زمامداران که همان پاسخگویی در مقابل مردم و اصالت‌دادن به حقوق آنان است، اعتمادآفرینی است که می‌تواند زمینه‌ساز انجام وظایف مردم در برابر حکومت باشد و مهم‌ترین موارد آن عبارتند از: طرح مشکلات توسط مردم بدون دغدغه و ترس و پاسخ مناسب به آنان، صداقت و صراحت در پاسخگویی، خوشرویی و خوش خلقی در ارائه پاسخ، توجه به اعتقادات مشترک در مقام پاسخ‌دادن، پاسخگویی به سؤالات در محدوده وظایف و پاسخگویی عملی به این معنا که حاکم و زمامدار حکومتی قبل از اینکه دیگران را به احساس مسئولیت، وقت‌شناسی، ساده‌زیستی، دقت در کار، اخلاق نیکو، مصرف صحیح بیت‌المال و رعایت حقوق دیگران تشویق کند، خود نیز عامل به آن بوده و رفتارش در مقام عمل پاسخگو باشد.

منابع

قرآن.

ابن شعبه الحرّانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- ابن شهر آشوب (۱۴۰۵ ق). مناقب آل ابی طالب (ع)، بیروت: دارالاضواء.
- انصاری، محمد علی (۱۴۱۵ ق). الموسوعة الفقهية الميسرة، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بحرانی، هاشم (۱۴۱۱ ق). حلیۃ الأبرار فی احوال محمد (ص) و آلہ الاطهار (ع)، تحقیق غلامرضا مولانا بحرانی، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة.
- بحرانی، هاشم (بی تا). بنایع المعاجز، قم: مطبعة العلمية.
- البرقی، احمد بن محمد بن خالد (بی تا). المحاسن، تحقیق جلال الدین حسینی، قم: دار الکتب الاسلامیة.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغة، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). تفصیل وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل‌البیّت (ع) لاحیاء التراث.
- حویزی، علی بن جمعة العروسی (۱۴۱۲ ق). تفسیر نور الثقلین، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). امام علی (ع) و مسائل سیاسی، قم: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امیر المؤمنین (ع).
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (۱۳۶۱). معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی.
- صفار، محمد بن الحسن بن فروخ (۱۴۰۴ ق). بصائر الدرجات الکبری، تحقیق میرزا محسن کوچه باغی، تهران: مؤسسه الاعلمی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۶ ق). سنن النبی (ص)، تحقیق محمد هادی فقهی، قم: انتشارات اسلامی.
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۶ ق). تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۲). اخلاق حرفه‌ای، تهران: نشر مجنون.
- کرکی، علی بن الحسین (۱۴۰۸ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل‌البیّت (ع) لاحیاء التراث.
- کلینی رازی، ابو جعفر محمد (۱۳۸۸ ق). الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دار الکتب الاسلامیة.
- مازندرانی، محمد صالح (بی تا). شرح اصول الکافی، با تعلیقات ابو الحسن شعرانی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمّدی ری شهری، محمد (۱۴۰۵ ق). میزان الحکمة، بیروت: الدار الاسلامیة.
- محمودی، محمد باقر (۱۳۹۶ ق). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- مکنزی، آلک (۱۳۷۱). مدیریت بهره‌وری از زمان، ترجمه محمد رضا پور، تهران: نشر چاهه.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۸ ق). الاجتهاد والتقلید، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ ق). مستدرک سفینه البحار، تحقیق حسن نمازی شاهرودی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نهج البلاغة (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، قم: نشر الهادی.